

خواجه عبدالله انصاری ملقب به شیخ الاسلام و معروف به پیر انصار و پیر هرات از دانشمندان و عارفان قرن پنجم است که در سال ۴۸۱ هـ.ق در هرات درگذشت. از آثار مشهور او الهی نامه، زاد العارفين، مناجات نامه و رساله دل و جان را می توان نام برد. مناجات های خواجه عبدالله انصاری مسجع، لطیف، دلنشین، ساده و سرشار از مضامین عرفانی است.

در زیر یکی از مناجات های خواجه را می خوانیم.

### الهی

به نام آن خدای که نام او راحتِ روح است و بیغام او مفتاحِ فتوح\* است و سلام او در وقت صباخ مؤمنان را صبح\* است<sup>۱</sup> و ذکر او مرهمِ دلِ مجروح است و مهر او بلا نشینان را کشتی نوح است.

ای کریمی که بخشنده عطاپی و ای حکیمی که پوشنده خطایی و ای صمدی که از ادراکِ خلق جدایی و ای احدی که در ذات و صفات بی همتایی و ای خالق که راهنمایی و ای قادری که خدایی را سزایی، جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده و چشم ما را ضیای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه<sup>۲</sup>.

الهی، عبدالله عُمَر بکاست<sup>۳</sup> اما عذر نخواست.

الهی، عذر ما بپذیر، بر عیب های ما مگیر<sup>۴</sup>.

الهی، ترسانم از بدی خود؛ پیامرزم را به خوبی خود.

الهی، در دل های ما جز تخمِ محبتِ خود مکار و بر تن و جان های ما جز اَلطاف و

مرحمتِ خود مَنگار و بر کشته های ما جز بارانِ رحمتِ خود مبار.

سید محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار (۱۳۶۷ - ۱۲۸۵ تبریز)  
 از برجسته‌ترین شاعران غزل‌سرای معاصر است. او علاوه بر غزل در سرودن انواع  
 شعر فارسی مهارت داشت. از آثار او می‌توان به منظومه «حیدربابایه سلام» (به زبان  
 ترکی آذربایجانی) و کلیات اشعار (در پنج جلد) اشاره کرد. «همای رحمت» یکی از  
 سروده‌های مشهور و شورانگیز شهریار در وصف مولای متقیان علی (ع) است. او در  
 این سروده، با بهره‌گیری از زبانی صمیمی و عاطفی و ساده و روان، باور و ایمان عمیق  
 و ارادت خود را نسبت به اهل بیت (ع) آشکار می‌سازد.

## همای رحمت

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را!  
 که به ما سوا کفندی همه سایه‌ها را  
 دل اگر خدایشی همه در رخ علی بین  
 به علی شاتخم من، به خدا قسم، خدا را  
 مگر ای سحاب رحمت تو بباری ارنه دوزخ  
 به شرارِ قمر سوزد همه جان ما سوا را  
 برو ای گدای مسکین در خانه علی زن  
 که نلین پادشاهی دعد از کرم گدا را  
 به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من  
 چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا؟  
 به جز از علی که آرد پسری ابوالجایب  
 که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟  
 چو به دوست عهد بندد ز میان پاک بازان  
 چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را؟  
 نه خدا توانش خواند نه بشر توانش گفت  
 متحیرم چه نامم شه ملک لافقی را!

به دو چشم خون فشانم، حله‌ای نیم رحمت  
 که ز کوی او غباری به من آر توتیا را  
 ۱۰. به امید آنکه شاید برسد به خاک پایت  
 چه پیام‌ها سپردم، همه سوزِ دل، صبا را  
 چو تویی قضای گردان، به دعای مستندان  
 که ز جان ما بگردان ره آفتِ قضا را  
 چه زغم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم؟  
 که لسان غیب "خوش تر بنوازد این نوا را  
 «همه شب در این امیدم که نیم صبحگاهی  
 به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»  
 ز نوای مرغ یاقوتی " بشنو که در دل شب  
 غم دل به دوست گفتن چه خوش است شریارا



نقاشی خط اثر استاد اسرافیل شیرجی



## توضیحات

- ۱- سلام او (رحمت الهی) در صبحگاه، مؤمنان را سرمستی و نشاط می بخشد.
- ۲- ما را اسیر کوچک و بزرگ نکن (ما را جز به خودت به کس دیگر وامگذار).
- ۳- پیر شد.
- ۴- بازخواست نکن.
- ۵- سایه خوشبختی و رحمت الهی را بر سر همه موجودات عالم افکنده ای.
- ۶- مقصود شاعر، بخشش فراوان علی (ع) است و به آیه «أَتَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (آیه ۵۵ مائده) اشاره دارد که حضرت علی (ع)، انگشتر خود را در نماز به سائل بخشید.
- ۷- در این بیت شاعر سؤالی را طرح کرده که به پاسخ نیاز ندارد و تنها برای تأکید بیشتر آمده است.
- ۸- اشاره به جمله مشهور «لافتی الآ علی لا سیف الآ ذوالفقار» است که ندایش هم زمان با رشادت های فوق العاده آن حضرت در غزوه احد در فضای آسمان پیچیده شده بود. معنی جمله این است: جوانمردی چون علی و شمشیری چون ذوالفقار نیست.
- ۹- توتیا را یعنی برای توتیا. «را» در این بیت حرف اضافه و به معنی «برای» است.
- ۱۰- ای علی، چون تو گرداننده قضا (تغییر دهنده قضا و پیشامدهای ناگوار) هستی، به حق دعای نیازمندان و دل آزردهگان پیشامدهای بد را از ما دور گردان.

- ۱۱- منظور از لسان غیب (لسان الغیب)، حافظ شیرازی است. بیت بعدی از حافظ است.
- ۱۲- مرغ حق، نوعی جغد؛ که هنگام آواز خواندن گویی کلمه «حق» را تکرار می کند.

### پیاموزیم

۱- مهر او بلانشینان را **کشتی نوح** است.

۲- نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

متحیرم چه نام شه ملک **لافتی** را

در نمونه ۱ به داستان حضرت نوح و در نمونه ۲ به حدیث «**الْأَفْتَى إِلَّا عَلِيٌّ**

**لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ**» اشاره شده است. به این نوع استفاده از آیات، احادیث،

داستان ها و وقایع تاریخی در ضمن شعر یا نوشته «**تلمیح**» می گویند. تلمیح در

لغت یعنی به گوشه چشم اشاره کردن، چند نمونه دیگر تلمیح:

□ آسمان بار امانت توانست کشید      قرعه کار به نام من دیوانه زدند

اشاره به آیه: **إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.**

□ چنین گفت پیغمبر راست گوی  
ز گهواره تا گور دانش بجوی  
اشاره به حدیث: **أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ**  
□ بیستون بر سر راه است، مباد از شیرین

خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید

بهار

اشاره به داستان شیرین و فرهاد.



## خودآزمایی

- ۱- یک نمونه سجع در مناجات خواجه عبدالله بیابید.
- ۲- در عبارت «بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار» مقصود از «کشته‌ها» چیست؟
- ۳- بیت پنجم شعر همای رحمت به چه موضوعی اشاره دارد؟
- ۴- شاعر در کدام بیت ناتوانی خویش را از وصف علی (ع) بیان می‌کند؟
- ۵- در بیت سیزدهم مقصود از پیام آشنا و آشنا چیست؟
- ۶- نمونه‌ای دیگر از تلمیح را که قبلاً خوانده‌اید، بیان کنید.
- ۷- نمونه دیگری از مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری را در کلاس بخوانید.